

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

نویسنده: ا.م. شیری
۰۲ سپتمبر ۲۰۲۳

از کوزه همان تراود که در اوست .



«برادر» رضا مراد صحرایی، وزیر آموزش و پرورش دولت «محرومان» در بخشی از مصاحبه خود با شبکه دو، در کمال گستاخی و پر روئی، فرمایش می‌فرماید: «... فلان شخصیت کشوری مدرسه داره. من رفتم بررسی کردم. خدمتی که این مدرسه‌ها کردند، بعضاً دانشگاه‌های ما نکردند. واقعاً نکردند. یعنی بعضی از مدارس ما مثلاً در حوزه تربیت... اون بچه‌هایی که میرن اون مدرسه‌ها، بالاخره انتخاب خانواده‌هاست دیگه. خانواده علاقه دارن این کار را انجام بدن، کسی که به زور نمی‌فرسته، چون که خودش انتخاب می‌کنه می‌ره اونجا... نه، ببینید، این حرف درستی، فرد می‌ره انتخاب می‌کنه. در کجای دنیا اینطوری نیست. شما وقتی می‌خوای یک ماشین مدل بالاتری تهیه کنی، باید پول بیشتری پرداخت کنی...، ... نمی‌خام دفاع کنم از چیزی...، درسته. نه...، ببینید این نیست. مسأله باید باز باشه.

من مدافع فرد خاصی، کس خاصی نیستم، بررسی دارم می‌کنم. ویدئو در [اینجا](#)

در رابطه با این فرمایشات «برادر» وزیر، قبل از هر چیز، از همه فارسی زبانان، فارسی نویسان و علاقه مندان به زبان و ادبیات شیوای فارسی به خاطر این که غلط‌های دستوری و گویشی فرمایشات او را با همان زبان خودش نقل کردم، جداً پوزش می‌خواهم.

گذشته از این، نخستین پرسشی که از تراوشات مغز «جناب» وزیر به ذهن می‌رسد، به نظرم این است: «فلان شخصیت کشوری که مدرسه داره» و همین وزیر که کمی بیش از یک سال پیش از مجلس «انقلابی» رأی اعتماد گرفت، در کدام چراگاه چریده‌اند که این همه دنبه دارند؟

پاسخ این پرسش را قبل از همه باید در خود حاکمیت جمهوری اسلامی جست و جو کرد که از درون کوزه آن به بیرون می‌تراود. به سخن صریح‌تر، همه این‌ها به آب و نمک خوابیده‌های جمهوری اسلامی، یا به قول دیگر، پرورشندگان در چراگاه جمهوری هستند که در آن فساد، دزدی، رانت‌خواری مقامات رواج بی‌سابقه یافته، به امر عادی تبدیل شده و «ژن‌های خوب»، «آقازاده‌ها» و «دامادها»، به صورت پنهان و آشکار، تمام ارکان حاکمیتی را به زیر سلطه بلامنازع خود درآورده‌اند. به همین دلیل، حاکمیت جمهوری اسلامی به اولین و بزرگترین ناقض قانون اساسی کشور تبدیل گردیده است.

عدول از اصول عمده قانون اساسی، از جمله، از اصل ۳۰، یکی از نمونه‌های این تخلف آشکار است. این اصل اشعار می‌دارد: «دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفائی کشور به طور رایگان گسترش دهد».

جمهوری اسلامی با زیر پای گذاشتن این اصل، حوزه‌های اساسی زندگی اجتماعی، به ویژه، تحصیل و آموزش و پرورش، طب و بهداشت و درمان، کار و مسکن و سرپناه توده‌ها را به بخش خصوصی، به عبارت دقیق‌تر، به همان پرورش یافته‌های چراگاه خود واگذار کرده است. تعداد فوق‌العاده زیاد کلاس‌های تقویتی و کنکور، مدارس انتفاعی و تیزهوشان، مطب‌ها، درمانگاه‌ها و بیمارستان‌های خصوصی نمونه غیرقابل انکار واگذاری وظایف دولت به بخش خصوصی و کالانی کردن تحصیل و سلامتی عمومی هستند.

به اساس، برآوردهای آگاهان، تعداد دانشگاه‌های ایران با ۸۵ میلیون جمعیت، از تعداد کل دانشگاه‌های جمهوری خلق چین با یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر جمعیت، بیشتر است. به طوری که اکنون در «ابرقو» هم به اصطلاح «دانشگاه» تأسیس شده است. این که آیا این مدارس و «دانشگاه‌ها» در جهت باسواد کردن ملت و ارتقاء کیفیت آموزش و پرورش توده‌هاست یا خیر، نتایج قابل مشاهده آشکارا پاسخ منفی می‌دهد. روشن است که کلیه کلاس‌های تقویتی و کنکور، مدارس انتفاعی و تیزهوشان به واسطه همان رانت‌خواران حکومتی نه تنها با هدف استمرار رانت‌خواری از طریق مدرک فروشی، بلکه برای تخریب وجدان کاری نسل‌های جوان راه‌اندازی شده است. به طوری که اکثریت قریب به اتفاق جوانان «تحصیل کرده» در دانشگاه‌های خصوصی، بعد از اخذ (خرید) مدرک پایان تحصیلی، تازه متوجه می‌شوند، جایی برای اشتغال ندارند و اگر هم کاری دست و پا کنند، چون مطابق تصورات و آرزوهایشان نیست، اساساً بی‌میلی و بی‌نظمی به آن کار مشغول می‌شوند، که این هم به فرسودگی وجدان کاری آن‌ها منتهی می‌شود.

در حوزه طب و بهداشت، درمان و سلامتی انسان نیز وضعیت از این هم خراب‌تر است. به گونه‌ای که با کالانی شدن سلامتی انسان، اغلب فارغ‌التحصیلان از دانشکده‌ها یا دانشگاه‌های پزشکی (منهای موارد کاملاً استثنائی)، که قبل از هر کاری با بینی خود ابرها را جابه جا می‌کنند، به فکر راه‌اندازی مطب خصوصی-مرکز پول‌سازی می‌افتند. درست است که جمهوری اسلامی تعدادی از آن‌ها را برای کسب تجربه به مناطق محروم می‌فرستد. اما معنای این کار هم جز این نیست که به انسان‌های همان مناطق به عنوان موش آزمایشگاهی می‌نگرد.

در همه حال، زمانی که پول به معیار شخصیت و ابزار سنجش ارزش تبدیل می‌شود، نمی‌توان بیشتر از این توقع داشت. در جمهوری اسلامی نیز مانند همه کشورهای سرمایه‌داری مشابه، پول نقش اول را بازی می‌کند!

درست می‌گویند، که اگر می‌خواهی یک جامعه را تخریب کنی، نظام آموزشی آن را تخریب کن! متأسفانه، این اتفاق در جمهوری اسلامی افتاده و بدبختانه، بی‌بازگشت به نظر می‌رسد.

گذشته از همه این‌ها، اکنون که «برادر» رضا مراد صحرانی، وزیر آموزش و پرورش دولت رئیسی نظام تحصیلی را مانند «ماشین مدل بالا» تصور می‌کند و پرداخت پول بیشتر برای آموزش و پرورش «مدل بالا» را ضروری می‌داند،

حداقل توقع این است که در وهله اول، لازم است مجلس «انقلابی» رأی اعتماد سال گذشته خود به این وزیر گستاخ را پس بگیرد و ابراهیم رئیسی، رئیس جمهور نیز به فورت او را عزل نماید.

و در وهله دوم، انتظار می رود جمهوری اسلامی با بازگشت به قانون اساسی، به کلیت خصوصی سازی های نئولیبرالی، در رأس آنها، آموزش و پرورش، طب و بهداشت، حتی تحت عنوان ریاکارانه مولدسازی، نقطه پایان گذارد و کلیه مؤسسات، بنگاه ها و حوزه های واگذار شده سال های گذشته را به مالکیت ملی ایران بازگرداند.

۱۰ شهریور-سنبله ۱۴۰۲